

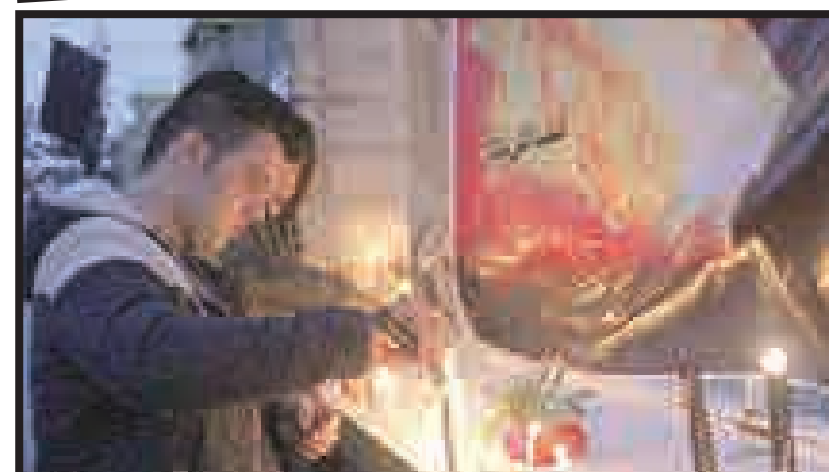
خبرهای هفته از لنز دوربین



ادای احترام آتش نشانان ایستگاه ۱۱ همدان به مقام والای شهدای آتشنشانان حادثه پلاسکو



بدرقه کسانی که تا کنون به مشهد مقدس مشرف نشده اند به همت دفتر موسسه یاران نگار همدان



مراسم یاد بود شهدای آتش نشان غروب جمعه، بلوار ارم شهر همدان



به مناسبت هفته هوای پاک در همدان



انتظار کشیدن خانواده آتش نشانان محبوس شده

برای بلند مرتبه سازی پلاسکو رنگ خطر

در همدان برج سازی روند شتابی به خود گرفته است چند سالی است رعایت نشدن مقررات ایمنی مورد نقد است و حادثه تهران بهانه ای شد تا بار دیگر مدیریت شهری و متولیان نظارت بر رعایت دقیق ضوابط حساسیت بیشتری دهند



پتک پلاسکو بر سر فرسودگه بناها

۱- در حادثه ریزش ساختمان پلاسکو اگر چه

آنچه بیش از همه به چشم آمد، نبود تجهیزات و کمبود امکانات آشنانشانی بود، اما این حادثه یک متهم اصلی دیگر به داشت و آن فرسودگی بنا و نیاز به بازسازی و نوسازی آن بود.

این مشکل باعث شد تا بحث ساختمان ها فرسوده دوباره موضوع اول بحث ایمنی شود و همه به دنبال پلاسکو بعدی باشند تا بتوانند با اقدامان نوسازی و بهسازی از تکرار فاجعه جلوگیری کنند.

۲- موضوع بافتهای فرسود و سازو کار معیوب بهسازی ساختمان ها باشیم چرا که زیر ۳۰ سال سن دارند اما به علت فقدان نظارت صحیح، عملا این ساختمان ها فرسوده و مایه نگرانی ما هستند.

وی از بی‌فاویتی شهروندان نسبت به ایمنی ساختمان‌ها جدید گفت.البته معمولا در ایران فاصله بسیاری بین تصمیمات اخذ شده تا اجرای آن هست و به نظر می

رسد این ضرورت تا تبدیل به قانون فرایندی طولانی

و هم‌اکنون به نظر می‌رسد که این روند به سرعت به جلو پیش می‌رود.

۳- مصیبت فاجعه در بحث ساخت و ساز از آنجایی

معلوم می شود که رئیس سازمان مدیریت بحران کشور از نبود نظارت کافی بر ساخت و ساز در کشور سخن گفته و پرسیده؛ آیا وقتی خانه‌ای ساخته می‌شود، نظارت ما دقیق است؟ مصالح ما چقدر مقاوم است و کیفیت ساخت و سازها چگونه است؟ وی این مسئله را دلیلی دانسته تا ساختمان های کشور با عمر ۳۰ سال فرسوده شوند

وی گفته مطابق استاندارد جهانی ما نباید نگران ساختمان ها باشیم چرا که زیر ۳۰ سال سن دارند اما به علت فقدان نظارت صحیح، عملا این ساختمان ها فرسوده و مایه نگرانی ما هستند.

۴- پلاسکو باعث دو توجه در استانها هم شد و آن توجه به تجهیزات آتش نشانی و تامین تجهیزات به میزان مقبول برای مقابله با حوادث مشابه است و دیگری توجه به شناسایی ساختمانهای فرسوده بخصوص ساختمانهای عمومی است تا این ساختمان ها بررسی شده و اگر لازم است اقدامات لازم برای حفظ جان و مال مردم انجام شود.

۵- استاندار همدان در ادای احترام به شهدای حادثه

توجه دارند، به ایمنی آن و مقاومتش در برابر حوادث توجه دارند؟ نمی‌شود که خانه‌های عنکبوتی بسازیم و بعد توقع ایمنی و مقاومت داشته باشیم و بخواهیم حادثه‌ای رخ ندهد. البته اینگونه بحران را مدیریت کردن، زیاد سخت نیست زیرا هزینه آن یک سخنرانی و انتقاد از ناظر، مردم و استاندارد و زمین و زمان است که قانون را رعایت نکرده اند و حالا از مدیر محترم می‌خواهند بحران را مدیریت کنند.

۴- پلاسکو باعث دو توجه در استانها هم شد و آن توجه به تجهیزات آتش نشانی و تامین تجهیزات به میزان مقبول برای مقابله با حوادث مشابه است و دیگری توجه به شناسایی ساختمانهای فرسوده بخصوص ساختمانهای عمومی است تا این ساختمان ها بررسی شده و اگر لازم است اقدامات لازم برای حفظ جان و مال مردم انجام شود.

۵- استاندار همدان در ادای احترام به شهدای حادثه



کے شدہ، واقعہ‌ای قبل از وقوع علاج شود

مہدی ناصرنژاد

۱- حادثه تلخ آتش‌سوزی و انهدام برج پلاسکوی تهران، زنگ خطر وحشتناکی را برای مردم و مسئولان نه‌تنها تهران‌نشین، بلکه در تمامی کشور به صدا درآورد. همیشه گفته‌اند و شنیده‌ایم که تهران روی گسل بزرگی از زلزله قرار گرفته و ظاهراً که مسئولان مربوطه هم این خطر بالقوه را همواره هشدار داده‌اند. با این وجود در حادثه آتش‌سوزی پلاسکو، این سؤال اذهان عمومی را آزار می‌داد که تمام امکانات موجود سازمان‌های مسئول در تهران برای مقابله با آتش‌سوزی یک ساختمان هر چند مرتفع، پاسخگو نیست و در این شرایط اگر خدای ناکرده زلزله‌ای رخ دهد، تکلیف چه خواهد بود؟

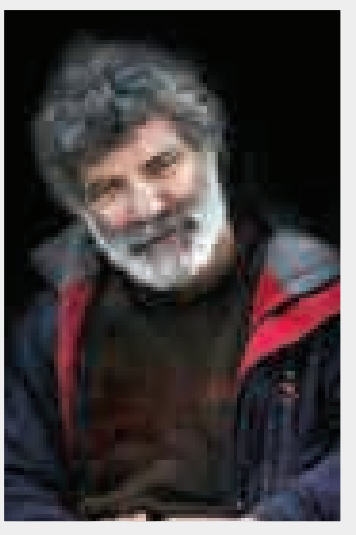
فاجعه پلاسکوی تهران، نخستین حادثه تلخ برای مردم ایران نیست و در نوع خود قطعاً آخرین هم نخواهد بود و خدا کند که آخرین نباشد و هیچ کجای ایران عزیز اتفاق نیفتد. به هر حال این اتفاق ناگوار هشداری بود و به مصداق معروف بلکه عدو شودد سبب خیر و مسئولان به خود آیند تا در کنار طرح‌ها و برنامه‌های خود برای آبادانی شهرها و روستاهای کشور، پیش‌بینی‌های لازم برای مقابله با حوادث و بحران‌های احتمالی را هم به عمل آورند.

پش‌بینی و تدارک امکانات و تجهیزات متناسب با حوادث گوناگون عقلایی‌ترین برنامه راهبردی مسئولان در رأس سازمان‌ها و نهادهای مختلف با هدف مقابله و خنثی‌سازی پیامدهای تلخ حوادث است. متأسفانه برغم تکرار و تأمل زبان‌های فراوان تاکنون کمتر به فکر علاج وقایع قبل وقوع آن بوده و هستیم. در موارد مشابه تاکنون شمارهای معمول جای عمل و اقدام بایسته را گرفته است. در همین حادثه پلاسکو درست پس از ۳ روز از گذشت حادثه نازم مسئولان شورای شهر تهران به فکر می‌افتند یکصد میلیارد تومان برای خرید و تکمیل تجهیزات در اختیار سازمان آتشنشانی تهران بگذارند. آیا چنین اقدام لازم‌های مشکل آتش‌سوزی ساختمان سابق پلاسکو را حل خواهد کرد؟! خدا نکند حادثه مشابه دیگری روی دهد تا این ۱۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری‌ها به کار افتد، اما کشور ما با توجه به شرایطی که دارد و روی خرابه‌های فراوان بنا شده است، باید آمادگی لازم برای مقابله با هر حادثه‌ای را داشته باشد و این فقط شهر بزرگ و پرجمعیت و شلوغ تهران نیست که نیازمند تجهیزات خدماتی فراوان می‌باشد. آیاهمین شهر قدیمی و بزرگ خودمان همدان، بی‌نیاز از امکانات و تجهیزات لازم است؟ خوشبختانه بر اساس شواهد و آمارهای موجود عملکرد سازمان آتشنشانی همدان در مقایسه با شهرهای بزرگ به نسبت خوب و قابل دفاع است. نوع پراکندگی و اشراق مراکز آتشنشانی در جای جای شهر بزرگ همدان به سرعت عمل و حضور به موقع آتشنشنان کمک می‌کند و همین آمادگی موجب ختم به خیر بسیاری از آتش‌سوزی‌ها از همدان شده است. اما این کافی نیست و می‌طلبد تا شهرداری‌ها و به تبع آن سازمان آتش‌نشانی و سایر سازمان‌های امدادرسان بیشتر از هر زمان دیگر به آمادگی و توان مقابله خود با حوادث اضافه کنند. این چنین نباشد که متأسفانه تاکنون در حوادث مختلف کمبود امکانات و تجهیزات برای مقابله با آبرگفتگی و سیلاب از مواقع بارندگی‌های شدید بسیار بیشتر از خود حادثه جلب نظر کند. یا با چند سانتیمتر پوشش برف در معابر و خیابان‌های اصلی، تردد در سطح شهر به‌گونه‌ای مختل شود که ادارات و سازمان‌های دولتی با چند ساعت تأخیر کار روزانه خود را شروع کنند!

به نظر می‌آید در این ارتباط به عهده ستاد مقابله با بحران و حوادث طبیعی است تا با اجرای یک طرح اساسی و فراگیر با کمک و همفکری کارشناسان حوزه‌های مختلف اجتماعی و با توجه به شرایط اقلیمی و زیرساخت‌های شهری، سازمان‌های تابعه را ملزم به تجهیز و آمادگی لازم سازد.

خواهر پرویز از دردهای پرویز می‌گوید

پرویز مجهول‌الہویہ نیست



دارد منم که شهرستان هستم که چند وقت است ساکن همدان شدم .

روزی که فوت شد؛ من از ایشان جدا شدم حالش خیلی خوب بود، بعد رقتم به اقوام سرر برتم، شب گویا پر پرویز در بی‌کسی، تنهایی در خانه محقر، در میدان فردوسی که اجاره‌نشین بود فوت کرد.

پرویز همیشه می‌گفت؛ می‌بایست بروم باشگاه، اینورو آنور، ماهی سیصد هزار تومان اجاره مجبورم هر ماه بدهم، حتی بهزیستی هم کمکش نمی‌کرد. با اینکه معلول شده بود و ویلچری، من به عنوان خواهرش و همسر می‌خواستم کمکش کنیم قبول نمی‌کرد، عزت نفس داشت، می‌گفت باید روی پای خود بایستم تا هیچ نهادی به من کمک نکند. اما در تعجبم این هنرمندمردمی حتی وقتی ویلچری شده بود به عنوان کسی که سال‌ها به این شهر خدمت کرده بود هیچ نهادی کمکش نمی‌کردند. می‌رفت باشگاه‌ها عکاسی که خرج خودش را دربیاورد، روی ویلچر به سختی عکاسی می‌کرد، از جوانان و ذره ذره پول درمی‌آورد که خرج اجاره‌نشینی و خورد و خوراک و کمک‌هایش شود.

وقتی فوت شد ؛ همه آمده بودند برای خاکسپاری، اما او در تنهایی از دنیا رفت .

صاحب خانه ایشان دیده بود بی‌حال است فکر کرده بود خوابیده، در منزل را همیشه باز می‌گذاشت، یک رفتگر که همیشه به ایشان هم کمک می‌کرد، زنگ می‌زد، اورژانس.

اورژانس می‌آید از منزل ایشان را می‌برد.

دیدم در پذیرش، بالای جسدش نوشته‌اند

مجهول‌الہویہ، خیلی دردناک بود این جمله.

گفتم این مرد مجهول‌الہویہ نیست این پرویز

خمن، خیلی برادرم را یاری کردند .

برای بستری به بیمارستان در تهران رفت ، هیچ نهادی را ندیم پشت این قضیه باشد فقط دوستان

خودش که نام بردم و برخی دیگر او را یاری کردند .

همیشه از این قضیه رنج می‌برد که چرا نبایست من بیمه هنری نداشته باشم حقوق حداقلی نداشته

باشم . حقوق حداقلی و بیمه نداشت. با اینکه خرج خودش را به سختی در میی آورد اما کمک حال

دیگران هم می شد . با دو خانواده بر سر مزارش

آشنا شدم داشتند گریه می‌کردند پرسیدم ؛ شما کی

هستید؟ گفتند مثل پدر برای ما بود. خرج تحصیل

مارا می‌داد. با اینکه خودش نیازمند بود اما عزت

نفس داشت، روح بزرگی داشت

اکثر خواهر برادرش خارج هستند تنها خواهری که

۱- پرویز ترتیبیان هنرمند نام آشنایی که

بیماری او را ویلچر نشین کرد سالها در میان جمع های هنری برای خود وجهه خاصی داشت. باید گفت که در کنار و اطراف خودمان

امثال مرحوم پرویز ترتیبیان زیاد وجود دارد

که از آنها غفلت داشته ایم، شاید اگر برای

امثال او فکری نکنیم خیلی دیر شود و افسوس

های زیادی برای ما باقی بماند. روحش شاد که

نظر رسانه ها را تأیید می کنند یا نظر دیگری خواهند

داشت البته مهم پیشگیری از بحران است.

۷- پلاسکو هر چند حادثه تلخی بود و هنوز داغ آن بر دل ملت بزرگ ایران است اما مانند یک پتک ضرورت پیشگیری از بحران ساختمانهای فرسوده را یادآوری کرد که نباید به سادگی فراموش شود.

پرویز یک هنرمند؛ عکاس و ورزشکار بود. او به جامعه ورزشی، هنری و گردشگری استان همدان خدمت کرد. در زمینه گردشگری اقدام به جمع آوری تصاویری کرد برای چاپ کتابی با عنوان

سیمای گردشگری استان همدان. در سال های دور، شهرداری می خواهد طرحی را برای زیباسازی

گنجنامه انجام بدهد؛ که پرویز با جابه‌جایی

سنگ‌های بزرگ و از چندین روز تلاش می‌کند

مکانی نمادین به لحاظ گردشگری ایجاد کند که

این حرکت موجب خلق طرح بسیار جالبی برای گردشگری در منطقه گنجنامه می شود .
همه این کارها وخدمات که نیازمند این حوزه‌ها بود را بدون آنکه حقوقی بگیرد انجام می داد . او برای استان همدان برای پیشرفت ورزش، سینما، هنرمندان، جامعه هنری و گردشگری، هر چه که از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد اما کمتر کسی برای قدردانی از او کاری می کرد .

۱۱- شما به عنوان خواهر این هنرمند آیا اطلاع

دارید ایشان حقوق هنرمندی می‌گرفتند؟

خیر، ایشان هیچگونه حقوقی از هیچگونه نهادی نمی‌گرفت و خالصانه کار انجام می‌داد. تحت پوشش هیچ اداره و نهادی نبود، با فروش عکس‌های خود زندگی می‌کرد. با حضور در باشگاه‌های ورزشی و

عکس گرفتن از جوان‌های ورزشکار چرخ زندگی خودش را می‌چرخاند و همین درآمد ها او را کمک می‌کرد. البته افرادی دلسوز بودند اطلاع نداریم چه کسانی اما وقتی که بیمار شد کمک‌هایی کردند و دوستان او در یک برهه زمانی هزینه‌های عمل جراحی را فرستادند.

۱۲- چرا پرویز ویلچر نشین شد؟

ورزشکار بود، در باشگاه‌ها آزاد کار می‌کرد، عارضه نخاعی پیدا کرد، پایش درد می‌کرد، از افرادی چون آقایان گلمحمدی ، رهبر، شمخانی و ... که البته خیلی نمی‌دانم چه سمت هایی دارند تشکر می‌کنم، خیلی برادرم را یاری کردند .

برای بستری به بیمارستان در تهران رفت ، هیچ نهادی را ندیم پشت این قضیه باشد فقط دوستان خودش که نام بردم و برخی دیگر او را یاری کردند .
همیشه از این قضیه رنج می‌برد که چرا نبایست من بیمه هنری نداشته باشم حقوق حداقلی نداشته باشم . حقوق حداقلی و بیمه نداشت. با اینکه خرج خودش را به سختی در میی آورد اما کمک حال دیگران هم می شد . با دو خانواده بر سر مزارش آشنا شدم داشتند گریه می‌کردند پرسیدم ؛ شما کی هستید؟ گفتند مثل پدر برای ما بود. خرج تحصیل مارا می‌داد. با اینکه خودش نیازمند بود اما عزت نفس داشت، روح بزرگی داشت

اکثر خواهر برادرش خارج هستند تنها خواهری که



پلاسکوعلیه پلاسکو



صنف هم می‌شود. پلاسکو، سازمانی متشکل از ۵۵۰ واحد صنفی بود که ارزش سرفقلی مجموع آن سر به فلک می‌زد و گردش مالی آن هم بسیار بالا بود اما به دلیل فقدان نگاه صنفی در اثر یک آتش‌سوزی ساده، تمام دار و ندار ساکنین آن به باد فنا رفت و توان ضعیف ما هم در مدیریت بحران در سطح فردی، صنفی و سازمانی برملا شد.

با این‌که مسئولیت شهرداری تهران به لحاظ کم‌توجهی به امنیت جانی و مالی شهروندان شایسته توجه و بررسی است، مسئولیت شهروندانی هم که در این ماجرا به صورت مستقیم زیان دیده‌اند شایسته توجه است. نهاد شهرداری تهران به مانند سایر نهادهای اداری با انواع مسائل و مشکلات مواجه است و اگر این مسائل را اولویت‌بندی کنیم، ساختمان پلاسکو جزو اولویت‌های اصلی این نهاد قرار نمی‌گیرد. در

همین حال ما پلاسکو را داشتیم که یک جامعه بزرگ صنفی بود که دوران رشد و بلوغ خود را پشت سر گذاشته و در مرحله پختگی قرار داشت. بسا این‌که موضوع ایمنی در پلاسکو مسئله با اهمیتی برای شهرداری محسوب نمی‌شد اما برای پلاسکو باید مهم‌ترین مسئله به حساب می‌آمد تا امروز مجبور نباشد تاوان بی‌توجهی خود را پس دهد.

پلاسکو درس حیاتی به تمام ما شهروندانی داد که بی‌توجه به مسئولیت‌هایمان، همه مشکلات را پس از وقوع بحران‌ها متوجه نهادهای اداری می‌دانیم. نهادهای به حق مسئولند اما ما نیز مسئولیت داریم. تنها لازم بود پلاسکو یک تشکل صنفی قوی و کارآمد می‌داشت و منتظر عنايات بیرونی نمی‌ماند تا امروز حادثه پلاسکو به تلخی آنچه که بر ما رفته است رخ نمی‌داد. برای یک جامعه صنفی ۵۵۰ نفری و متمول، اعمال مدیریت ریسک، کسی آنجا ناپستد و انگشت به دهان وحشت و حیرت نکیرد احتمالا نه پلاسکو را می‌شناسد و نه تاریخی از آن و اهمیت آن می‌داند. از طرف دیگر همه مطلع هستند که در دقایق اولیه صبح با آتش نشانی تماس گرفته شده و آنها نیز سریعا خود را به محل رسانده اند. بنابراین و طبق آنچه که ناظران عینی شرح می‌دهند از ابتدای آتش نیروهای آتش‌نشانی در محل حضور داشتند، پس دو حالت وجود دارد: یا اینکه آنطور که دوستان منتقد با کمک رسانه‌ها و صدا و سیما می‌گویند، مردم مانع حرکت ماشین‌های آتش نشانی به پلاسکو شده‌اند که در این حالت باید از نیروی انتظامی سوال کرد که چرا آنها را متفرق نکرده است؟ حالت دوم اما به واقعیت نزدیک تر است: نیروهای آتش نشانی از ابتدای صبح مشغول کار بوده‌اند و آنطور که همه می‌دانند تا لحظه آخر از جان مایه گذاشته‌اند. پس مقصر جلوه دادن مردم و وارد کردن این اتهام که آنها مانع کار نیروها شده‌اند از عجایب روزگار است و به نوعی توهین به زحمات آتش‌نشانی و نیروی انتظامی است!

نقد دوم اما عجیب تر از حرف‌های بالااست: مردمی نقد می‌شوند به به باد تحقیر و سخره قرار می‌گیرند که با ساختمان در حال سوختن و بعد، فرورویخته عکس سلفی گرفته‌اند! شگفتا از این نکته‌سنجی و این همه انصاف از شهرداری و آتش‌نشانی در حداقل ۲۰ سال اخیر تا کسبه و مالکان آن در این فاجعه دخیل هستند. همه کسانی که مجوز دادند، تذکر ندادند، ایمنی خود و کارگانشان را مهم تلقی نکردند، تجهیزات مدرن برای خاموش کردن آتش نداشتند و نتوانستند بعد از شش ساعت آتش را خاموش کنند همه مقصر هستند. در این میان اما فراموش کردن همه غذاها و آدرس عوضی دادن و سلفی بگیرندگان و مردم را تحقیر کردن، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ صحیح که فرهنگ شهروندی ضعیف است، صحیح که سلفی در آن مکان اخلاقی نیست و صحیح که فرهنگ بعضی چیزها هنوز جا نیفتاده است، اما اینچنین عوضی کردن صورت مسئله کاری بود که از لحظه ابتدا صدا و سیما انجام داد و از رسانه‌های مستقل و روزنامه‌نگاران دلسوز بعید بود در زمین صدا و سیما بازی کنند: کسانی که عرض معبر روبرو و اطراف پلاسکو آنقدر بزرگ نیست که حیرت مردم را تاب بیاورد. فراموش نکنیم سوختن پلاسکو آنقدر مهم و عجیب است که هر هگذری را هم میخکوب کند و اگر

آتش سوزی پلاسکو می‌توانست خیلی ساده‌تر از این که رخ داده به خیر و خوشی تمام شود؛ اما نشد! فرجام غم‌انگیز و هولناک پلاسکو که به از دست دادن جان چندین نفر آتش‌نشان و از دست رفتن شغل و سرمایه چند هزار نفر تمام شد، اقتدار شهرداری تهران را به عنوان بزرگترین نهاد مدیریت شهری در کشور زیر سوال برد.

حادثه پلاسکو نشان داد که افراد و نهادهای درگیر در این ماجرا در سطح فردی، صنفی و سازمانی توان مدیریت بحران را ندارند. در مورد مسوولیت این حادثه، نظرات و تفاسیر مختلفی ایراد شده است اما قطعا یکی از مهم‌ترین مسئولان این حادثه نظام صنفی ضعیف در کشور است. نظام صنفی در کشور باید فارغ از منافع شخصی اعضا، پیگیر منافع عمومی باشد و آگاه باشد که پیگیری تأمین منافع عمومی در بلند مدت عاید اعضای

حسین یارسا

فروریختن پلاسکو، نماد تهران نو، سیاهر سیاست در ایران را متلاطم کرده و هر جناح به اندازه توان خود از آن حرف می‌زند و توپ را به میدان دیگری می‌اندازد. اصلاح‌طلبان شهرداری را مقصر می‌دانند و بر شیپور استعفا می‌دمند و اصولگرایان رقیب را به استغفا ابزاری از یک اتفاق تلخ می‌ان می‌کنند. اگر چه همچون بسیاری فجایع دیگر این اتفاق هم بعد از مدتی سرد شده و چپ و راست از آن عبور خواهند کرد اما وضعیتی که امروز وجود دارد شبیه به جدالی رسانه‌ای است. چندنان عجیب نیست که در میدان سیاست جناح‌ها چنین نقدهایی بر عملکرد یکدیگر وارد کنند که لازمه پویایی است و اگر وجود نداشت باید نگران آن می‌بودیم. در کنار جدال‌هایی سیاسی اما، اتفاق دیگری در حال رخ دادن است که اِدا جناحی نیست و همه را با هم متفق‌القول کرده و آن حمله بی‌سابقه‌ای است که صدا و سیما، رسانه‌ها، جناح‌ها و مردمی که از دور نظاره‌گر فاجعه پلاسکو بودند، به مردمانی وارد می‌کنند که آن روز در آن جا تجمع کردند و عکس و فیلم گرفتند. تفسیرها جورِی به خط شده‌اند که گویی مردم مقصر آن اتفاق هستند. بعد از آن، شبکه‌های اجتماعی پر شد از گوشه و کنایه و گاه توهین و تحقیر کسانی که آنروز آنجا بودند. گروهی از ضعف فرهنگی مردم نوشتند و گروه دیگر از اضمحلال اخلاقی سخن گفتند و شگفتا که بعضی دیگر هم تصاویری با این مطلب به اشتراک می‌گذاشتند: اگر یک فیلم کمتر گرفته می‌شد شاید یک نفر بیشتر زنده می‌ماند! اما پیش از آنکه با این موج همصدا شویم کمی باید تامل کرد و داستان را از ابتدا روایت کرد.

ساختمان پلاسکو، قطب تولید پوشاک ایران حدود ساعت شش صبح دچار آتش‌سوزی می‌شود یا به بیان بهتر در آن ساعت آتش آنقدر پرشعله شده است که عده‌ای با آتش‌نشانی تماس می‌گیرند و کمک می‌خواهند. از همان صبح زود تا حوالی ظهر که ساختمان فرو می‌ریزد مردم هم اطراف آن تجمع می‌کنند. اما آیا تجمع مردم مانع از خاموش شدن آتش به مدت حداقل پنج ساعت شده است؟ از صبح هرچقدر به ظهر نزدیک تر می‌شویم هم به حجم آتش افزوده می‌شود و هم مردمی که ماجرا را نظاره می‌کنند. برای کسانی که حتی یک بار راهشان به چهاراه استانبول افتاده باشند این موضوع عجیبی نیست که شاهد باشند

سُرنایِ برعکس!



کسیه آن جا و کسانی که برای کارهای شخصی به آن قسمت از جمهوری رفت و آمد دارند جمعا هزاران نفر را شامل می‌شوند. بنابراین اگر فقط مردمی که هرروزه آنجا حضور دارند، لحظه‌ای توقف کنند و سوختن پلاسکو را به حیرت بنگرند،

خیابان به راحتی بسته خواهد شد. فراموش نکنیم عرض معبر روبرو و اطراف پلاسکو آنقدر بزرگ نیست که حیرت مردم را تاب بیاورد. فراموش نکنیم سوختن پلاسکو آنقدر مهم و عجیب است که هر هگذری را هم میخکوب کند و اگر

فاجعه پلاسکووعبرت های جامعه ایران



هر حادثه ناگوار و در حالی که افراد دیگر در حال گریز از معرکه‌اند به دل حادثه می‌زنند تا به قیمت جانشان از جان و مال مردم محافظت کنند. از دقایق اولیه وقوع حادثه اخبار و تصاویر تأثیرانگیز آن به همراه تصاویر و نوشته‌هایی با مضمون ادای احترام به آتشنشانان در رسانه‌های رسمی و غیررسمی منتشر شد. بعضی‌ها با انتشار ادعیه و آیات قرآن و صلوات برای آتشنشانان گرفتار در آوار، آرزوی سلامتی کردند، برخی کمپین‌های "سلفی نگیریم" و "چهارشنبه‌سوری بدون حادثه" راه انداختند و تعدادی پا را فراتر از این گذاشتند و به کسانی که برای گرفتن عکس مانع از عملیات امداد شده بودند، نسبت‌های توهین‌آمیز دادند.

با گذشت زمان واکنش‌ها از فضای مجازی به دنیای واقعی کشیده شد. در شهرهای مختلف با شاخه‌های گل به ایستگاه‌های آتشنشانی رفتند و با قرائت دعا و روشن کردن شمع سلامتی آتشنشانان فداکار را آرزو کردند. اگرچه در شهرهایی مانند تبریز و همدان این تجمعات آرام و خودجوش با برخورد پلیس بهم خورد. موج عظیم همصدایی و همراهی اجتماعی با حادثه‌دیدگان پلاسکو و خانواده آتشنشانی کشور که هنوز هم با گذشت یک هفته از آغاز ماجرا فروکش نکرده است. پای مسئولان را هم به ماجرا باز کرد تا آنان هم با حضور در جمع آتشنشانان بکوشند نقش خود را در این تراژدی تلخ ایفا کنند.

واکنش رسانه‌های گروهی و مطبوعات نیز به این ماجرا جالب و تحسین‌برانگیز بود. پس از مدتی طولانی رسانه‌های گروهی ایران یک سوزه و نگاه مشترک به عنوان اولویت خبری خود برگزیدند. تلویزیون علاوه بر پوشش تصویری ۲۴ ساعته حادثه در شبکه خبر در تمام بخش‌های خبری و حتی برنامه‌های غیرخبری شبکه‌های مختلف به انعکاس

اخبار و تصاویر

حادثه

تحمل کرد اما نتایج و دستاوردهایی نیز داشت و پسرده از واقعیت‌هایی برداشت که توجه به آنها و درک پیام آن بی‌شک برای تمام افراد سودمند و تأثیرگذار خواهد بود. درک این واقعیت که تجهیزات اطفای حریق و امدادونجات در کلان‌شهر ۱۱ میلیونی تهران با آنچه باید باشد فاصله دارد و نمی‌شود این خلأ بزرگ را تنها با اتکا به غیرت و از خودگذشتگی و به بهای جان آتشنشانان جبران کرد. واقعیتی که در شهرهای کوچک‌تر دردناک‌تر و باورنکردنی‌تر است از آثار قهرمانان فاجعه پلاسکو است.

فاجعه پلاسکو خیلی‌ها را به این فکر فرو برد که با سختی‌های کار آتشنشانی از فشارهای جسمی و روحی ناشی از کار و دوری از خانواده گرفته تا حقوق و مزایای ناچیز نسبت به بسیاری از مشاغل دیگر اگر روحیه فداکاری و نועودوستی نباشد، چه عاملی می‌تواند آتشنشانان را وادارد تا به بهای جان خود و مصیبت دائمی خانواده‌هایشان به دل حوادث مختلف بزنند.

پلاسکو باعث شد بعضی‌ها یادشان بیاید که چه جفای بزرگی در حق این قهرمانان بی‌ادعا روا داشته‌اند وقتی شغلشان را در زمره مشاغل سخت و جان‌باختگان و مجروحانشان را در زمره شهدا و جانبازان به حساب نیاورده‌اند.

کلام آخر اینکه آنچه در ۳۰ دی‌ماه ۹۵ بر خانواده آتشنشانی کشور و در مقیاسی وسیع‌تر بر جامعه ایرانی گذشت، تلخ‌تر از آن است که گذر زمان آن را از یاد ببرد. تنها مرهم این درد رضای خدا و شوق خدمت به مردی است که محبت بی‌دریغشان دل‌های سوگوار آتشنشانان را از محبت سرشار و شوق جانفشانی و خدمتگزاری را در وجودشان صدچندان کرد.

به عنوان عضو کوچکی از خانواده بزرگ آتشنشانی و کسی که افتخار بر تن کردن لباس مقدس آتشنشان را دارد به ساحت مقدس تمام شهدای آتشنشان بخصوص قهرمانان فاجعه پلاسکو ادای احترام می‌کنم و به نمایندگی از همکاران ارجمندم در محضر شریف مردم شهر و سرزمینم سوگندنامه آتشنشانان را قرائت می‌کنم: پروردگارا!

به تو و کتاب آسمانی‌ات سوگند یاد می‌کنم که تا خون در رگم جاری است از جان و مال و ناموس مردم در برابر اهریمن حوادث دفاع کنم.

*** کارشناس روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی همدان**



پرداخت و تیتیر اول تمام روزنامه‌های کشور از شرق و آفتاب یزد تا کیهان و وطن امروز و حتی روزنامه‌های ورزشی شرح جانفشانی و دلآوری آتشنشانان و سوگواری برای آنان بود.

تمام اینها حاکی از این واقعیت است که فاجعه پلاسکو با تمام تلخی و اندوهی که به فضای عمومی جامعه

ساختمان‌های بدون ایمنی به مراجع قضایی معرفی می‌شوند

همدان بر روی گسل نایمنه



مريم بهرامی

پنجشنبه گذشته بود که پلاسکو، نخستین ساختمان مرتفع و مدرن ایران که در ضلع شرقی چهارراه استانبول تهران جا خوش کرده بود در آتشی عظیم سوخت و فرو ریخت. بارها شنیده‌ایم "حادثه هیچ گاه خبر نمی‌کند"، اما فاجعه پلاسکو باعث شد تا زنگ خطر و هشدار برای نایمن‌ها به صدا درآید.فرقی نمی‌کند کلاشهر باشد یا شهری کوچک در دل سرزمین‌مان، هر جا که نایمنی وجود دارد حادثه در کمین است.

این حادثه هم شاید چند روزی بیشتر تیرت نماند و به سرعت از یادها برود، اما مهم است این بار طور دیگری به موضوع نگاه کنیم؛ زیرا در همین پلاسکو براساس گفته‌ها بارها آتش‌سوزی رخ داده بوده اما گذر ساده از آن فاجعه امروز به بار آورد. در همین شهر خودمان، همین نزدیکی‌ها ساختمان‌های نایمن شبیه پلاسکو کم نیستند، حادثه‌های آتش‌سوزی در بازار قدیمی‌مان کم رخ نداده، سرمایه‌های کمی بر باد رفته است. از "پلاسکو" باید درس بگیریم و تا دیر نشده سراغ ساختمان‌های قدیمی و فرسوده رفته و در ایمن‌سازی مراکز تجاری و اداری تجدیدنظری شود تا افسوس و حسرت به جای نماند.

وقوع حادثه پلاسکو باعث شد بار دیگر واقعیت‌های تلخ از بی‌توجهی‌ها و غفلت‌ها به مسائل مهم و درگیر با جان و مال انسان‌ها نمود پیدا کند که وجود ۹۸ درصد ساختمان‌ها و مراکز عمومی فاقد ایمنی حکایت از این موضوع دارد.

۹۸ درصد مراکز عمومی فاقد ایمنی هستند

مدیرعامل آتش نشانی همدان با اعلام و تأیید این موضوع، از بی‌توجهی متولیان این مراکز به رفع نواقص و ایمن‌سازی انتقاد کرد و گفت: بارها بازرسی‌هایی از مراکز و اماکن عمومی انجام داده‌ایم و نواقص و کمبودهای ایمنی را به متولیان آنها هشدار داده‌ایم اما متأسفانه تاکنون هیچ اقدامی از سوی آنها صورت نگرفته است.

محمدرضا بیاناتی به آساری از بازدیدهای کارشناسان واحد پیشگیری آتش‌نشانی اشاره کرد و افزود: در ۹ ماهه امسال ۱۶۱ مورد از ساختمان‌های قدیمی پایش شدند که ۹۸ درصد این ساختمان‌ها فاقد موارد ایمنی بوده و در واقع نایمن محسوب می‌شوند.

به گفته وی، ۷۳ باب ساختمان اداری، ۱۱ مورد مرکز تجاری، ۲۷ مورد ساختمان‌های شهرداری، ۱۷ مورد مراکز آموزشی، ۲۱ مورد مراکز اقامتی و ۱۳ مورد مراکز جمعی مورد پایش ایمنی قرار گرفته‌اند که متأسفانه ۹۸ درصد فاقد ایمنی هستند. وی اظهار کرد: آتش‌نشانی رسالت خود را در این باره انجام و تذکرات و هشدارهای لازم را نیز داده است و این بستگی به این دارد که متولیان این مراکز چقدر توجه به مسائل داشته باشند.

به گفته بیاناتی، قرار است یک بار دیگر پایش ساختمان‌های قدیمی انجام شود که این بار اگر ایمن‌سازی انجام نشود قطعاً موضوع را به مراجع بالادستی و مراجع قضایی اعلام خواهیم کرد. این گفته در حالی است، که براساس قانون دادستان هر شهری مدعی العموم است و در مباحث موارد ایمنی نیز می‌تواند ورود پیدا کند.

<۲۱ زیاده‌خواهی‌ها و فریبکاری‌ها برای دور زدن شناسنامه ایمنی

این مقام مسئول در پاسخ به این سوال که ایمنی ساختمان‌های مسکونی در چه وضعیتی است؟ اظهار

کرد: از ایمن‌سازی ساختمان‌ها و نظارت آتش‌نشانی از نیمه سال ۷۹ اجرا شد و از اوایل دهه ۸۰ این مهم به صورت کامل و قانونی ادامه پیدا کرد.

پس از اتمام ساخت زمانی که برای اخذ پایان کار به شهرداری مراجعه می‌کنند باید حتماً شناسنامه ایمنی برای آنها نیز صادر شده باشد، یعنی قبل از اخذ پایان کار مالک به آتش‌نشانی مراجعه و کارشناس آتش‌نشانی با حضور در محل موارد ایمنی را بررسی و پس از تأیید آن شناسنامه ایمنی صادر می‌کند.

بیاناتی البته به برخی زیاده‌خواهی‌ها و فریبکاری‌ها در این زمینه اشاره کرد و توضیح داد: در برخی ساختمان‌ها سازنده‌ها به دلیل زیاده‌خواهی‌ها از تجهیزات ایمنی مرغوب استفاده نمی‌کنند.

همچنین در برخی موارد افراد برای دریافت شناسنامه ایمنی ساختمان مراجعه می‌کنند و پس از دریافت شناسنامه تجهیزات ایمنی را از ساختمان جمع می‌کنند و در واقع با این عمل قصد فریب‌کاری را دارند در حالی که در حوادث ضرر و زیان متوجه خود آنها می‌شود.

به گفته وی، در حال حاضر حجم زیادی از ساختمان‌هایی در سطح شهر وجود دارد که قبل از دهه ۸۰ احداث شدند که مراکز اقامتی، ادارات، مراکز جمعی، سالن‌های نمایش و سالن‌های ورزشی بخش عمده این ساختمان‌ها است.

<۹۹ درصد سازه‌های بازار نایمن است

بیاناتی در پاسخ به این سوال که ایمن‌سازی بازار نیز به کجا رسید؟ افزود: در بازار دو بخش مدنظر است؛ نخست مراکز خرید و تمامی کسبه‌های سطح شهر و دوم بحث بافت سنتی بازار.

در بافت سنتی بازار مشکلات عدیده‌ای وجود دارد زیرا ۹۹ درصد سازه‌ها اسکلت چوبی، به هم پیوسته و نایمن است. اگر در نقطه‌ای آتش‌سوزی رخ دهد به دلیل پیوستگی و وجود سقف‌های شبروانی و خروارها چوب آتش شعله‌ور و مهار آن سخت است. در همین چند ماه پیش بود که بخشی از ساختمان‌های قدیمی میدان مرکزی آتش گرفت و چه بسا اگر تلاش و از خودگذشتگی آتش‌نشانان نبود تمامی مغازه‌های خیابان بوعلی و از آن طرف خیابان تختی طعمه حریق می‌شدند.

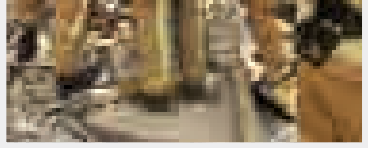
وی در ادامه به اقدامات ایمن سازی بازار اشاره کرد و گفت: برای ایمن‌سازی بازار با کمک یک

در بافت سنتی بازار مشکلات عدیده‌ای وجود دارد زیرا ۹۹ درصد سازه‌ها اسکلت چوبی، به هم پیوسته و نایمن است. اگر در نقطه‌ای آتش‌سوزی رخ دهد به دلیل پیوستگی و وجود سقف‌های شبروانی و خروارها چوب آتش شعله‌ور و مهار آن سخت است. در همین چند ماه پیش بود که بخشی از ساختمان‌های قدیمی میدان مرکزی آتش گرفت و چه بسا اگر تلاش و از خودگذشتگی آتش‌نشانان نبود تمامی مغازه‌های خیابان بوعلی و از آن طرف خیابان تختی طعمه حریق می‌شدند.

بیاناتی البته به برخی زیاده‌خواهی‌ها و فریبکاری‌ها در این زمینه اشاره کرد و توضیح داد: در برخی ساختمان‌ها سازنده‌ها به دلیل زیاده‌خواهی‌ها از تجهیزات ایمنی مرغوب استفاده نمی‌کنند. همچنین در برخی موارد افراد برای دریافت شناسنامه ایمنی ساختمان مراجعه می‌کنند و پس از دریافت شناسنامه تجهیزات ایمنی را از ساختمان جمع می‌کنند و در واقع با این عمل قصد فریب‌کاری را دارند در حالی که در حوادث ضرر و زیان متوجه خود آنها می‌شود.

به گفته وی، در حال حاضر حجم زیادی از ساختمان‌هایی در سطح شهر وجود دارد که قبل از دهه ۸۰ احداث شدند که مراکز اقامتی، ادارات، مراکز جمعی، سالن‌های نمایش و سالن‌های ورزشی بخش عمده این ساختمان‌ها است.

<۹۹ درصد سازه‌های بازار نایمن است
بیاناتی در پاسخ به این سوال که ایمن‌سازی بازار نیز به کجا رسید؟ افزود: در بازار دو بخش مدنظر است؛ نخست مراکز خرید و تمامی کسبه‌های سطح شهر و دوم بحث بافت سنتی بازار.



در جلسه افزایش ایمنی بازار مطرح شد:

جان و مال انسان‌ها مهم است یا حفظ تیرهای چوبه



طبقه فوقانی واحدهای صنفی میدان امام
قف واحدهای صنفی دور میدان امام طبقه فوقانی به صورت تیرچوبی و خطرزاست.برق کشی مناسب وجود ندارد.

راسته دباغ خانه و خامه فروشان
سقف تیرچوبی و خطرزاست. بسیاری از مغازه‌های داخل کاروانسراها انباری شده و کارگران نیز برای گرمایش از پیک‌نیک و سایر وسایل استفاده می‌کنند که بسیار خطرناک است.

سرگذر و سبزه میدان
سیم‌کشی برق مناسب نیست و اصلاح آن نیمه کاره رها شده است.

رئیس اتاق اصناف تأکید کرد: واحدهای صنفی برای پیگیری موارد خود از سازمان‌ها به خصوص شهرداری‌ها از مرجع اصناف وارد شوند. در واقع موارد و مشکلات فرسوده میدان مرکزی شهر افتاد و هر بار تنها جلسات و صحبت‌های از ایمن‌سازی بازار مطرح و پس از مدتی به فراموشی سپرده شد. اما حال فاجعه پلاسکو یکبار دیگر پرونده ایمن سازی بازار همدان را باز کرد و هشدار داد که علاج واقعی را قبل از وقوع باید کرد.

در همین راستا روز گذشته جلسه افزایش ایمنی بازار با حضور نمایندگان مراکز خرید و تجاری همدان مسئولان مربوطه در اتاق اصناف برگزار و موارد بررسی شد. در این جلسه تعدادی از نمایندگان صنف‌های مختلف در بازار و مراکز خرید مشکلات ایمنی مراکز خود را طرح کردند و رئیس اتاق اصناف با یادداشت‌برداری قول پیگیری آن را داد.

<۲۱ مراکز تجاری مشکلات ایمنی

پاساز استقلال
ایمن پاساز حدود ۴۰ سال قدمت دارد و در کل قدیمی و فرسوده است. گاز کشی ندارد و تنها چند مغازه مجوز برای گاز کشی گرفته‌اند و مابقی از سایر وسایل گرمایشی استفاده می‌کنند که خطرناک است.

برق عمومی برای روشنایی ندارد.
پاساز ایران
از سال ۶۸ احداث شده، فاقد آب و سرویس بهداشتی است. برق کشی مناسب ندارد. ورودی و دیوار پاساز نیز اجاره داده شده است.

پاساز قدس
تجهیزات ایمنی ندارد، وضعیت سیم کشی برق نامناسب است البته تا حدودی اصلاح شده، سیم کشی تلفن نامناسب است.

راسته صحاف خانه
قسمتی از سقف بازار تیرچوبی است، معبر راسته تنگ و باریک و امکان تردد خودروهای

بار میراث فرهنگی عنوان کرده که بودجه و ردیف مالی است. گاز کشی ندارد.

فرسایی با طرح این سوال عنوان کرد: میراث فرهنگی اجازه تعمیر به کسبه‌ها را نمی‌دهد و سوال ما این است که آیا جان و مال انسان‌ها مهم است یا حفظ تیر و تخته‌های

مسئولان سازمان بازرگانی و صنایع و معادن گفت: در این جلسه تعدادی از نمایندگان صنف‌های مختلف در بازار و مراکز خرید مشکلات ایمنی مراکز خود را طرح کردند و رئیس اتاق اصناف با یادداشت‌برداری قول پیگیری آن را داد.

پاساز قدس
تجهیزات ایمنی ندارد، وضعیت سیم کشی برق نامناسب است البته تا حدودی اصلاح شده، سیم کشی تلفن نامناسب است.

راسته صحاف خانه
قسمتی از سقف بازار تیرچوبی است، معبر راسته تنگ و باریک و امکان تردد خودروهای

بار میراث فرهنگی عنوان کرده که بودجه و ردیف مالی است. گاز کشی ندارد.

فرسایی با طرح این سوال عنوان کرد: میراث فرهنگی اجازه تعمیر به کسبه‌ها را نمی‌دهد و سوال ما این است که آیا جان و مال انسان‌ها مهم است یا حفظ تیر و تخته‌های

چوبی؟

وی با بیان اینکه متأسفانه میراث فرهنگی تاکنون اقدامی در جهت ایمن سازی بازار نداشته، اظهار کرد: البته این سازمان نیز مسئولیت دارد، اما باید مشکلات بازار نیز به نوعی حل و فصل شود.

دروشی معاون خدمات شهری شهرداری همدان نیز عنوان کرد: شهرداری ایمن‌سازی مجموعه‌های خود را در دستور کار قرار داده اما از اصناف درخواست داریم هیچ پروانه کسب و مجوزی بدون تأییدیه آتش‌نشانی صادر نشود.

معاون آموزشی و پیشگیری آتش‌نشانی نیز گفت: تأییدیه آتش‌نشانی برای اخذ مجوز و پروانه کسب براساس قانون

سازمان بازرگانی و صنایع و معادن گفت: در این جلسه تعدادی از نمایندگان صنف‌های مختلف در بازار و مراکز خرید مشکلات ایمنی مراکز خود را طرح کردند و رئیس اتاق اصناف با یادداشت‌برداری قول پیگیری آن را داد.

پاساز قدس
تجهیزات ایمنی ندارد، وضعیت سیم کشی برق نامناسب است البته تا حدودی اصلاح شده، سیم کشی تلفن نامناسب است.

راسته صحاف خانه
قسمتی از سقف بازار تیرچوبی است، معبر راسته تنگ و باریک و امکان تردد خودروهای امدادی

بار میراث فرهنگی عنوان کرده که بودجه و ردیف مالی است. گاز کشی ندارد.

فرسایی با طرح این سوال عنوان کرد: میراث فرهنگی اجازه تعمیر به کسبه‌ها را نمی‌دهد و سوال ما این است که آیا جان و مال انسان‌ها مهم است یا حفظ تیر و تخته‌های

مسئولان سازمان بازرگانی و صنایع و معادن گفت: در این جلسه تعدادی از نمایندگان صنف‌های مختلف در بازار و مراکز خرید مشکلات ایمنی مراکز خود را طرح کردند و رئیس اتاق اصناف با یادداشت‌برداری قول پیگیری آن را داد.

پاساز قدس
تجهیزات ایمنی ندارد، وضعیت سیم کشی برق نامناسب است البته تا حدودی اصلاح شده، سیم کشی تلفن نامناسب است.

راسته صحاف خانه
قسمتی از سقف بازار تیرچوبی است، معبر راسته تنگ و باریک و امکان تردد خودروهای امدادی

بار میراث فرهنگی عنوان کرده که بودجه و ردیف مالی است. گاز کشی ندارد.

فرسایی با طرح این سوال عنوان کرد: میراث فرهنگی اجازه تعمیر به کسبه‌ها را نمی‌دهد و سوال ما این است که آیا جان و مال انسان‌ها مهم است یا حفظ تیر و تخته‌های

مسئولان سازمان بازرگانی و صنایع و معادن گفت: در این جلسه تعدادی از نمایندگان صنف‌های مختلف در بازار و مراکز خرید مشکلات ایمنی مراکز خود را طرح کردند و رئیس اتاق اصناف با یادداشت‌برداری قول پیگیری آن را داد.

پاساز قدس
تجهیزات ایمنی ندارد، وضعیت سیم کشی برق نامناسب است البته تا حدودی اصلاح شده، سیم کشی تلفن نامناسب است.

راسته صحاف خانه
قسمتی از سقف بازار تیرچوبی است، معبر راسته تنگ و باریک و امکان تردد خودروهای امدادی

بار میراث فرهنگی عنوان کرده که بودجه و ردیف مالی است. گاز کشی ندارد.

فرسایی با طرح این سوال عنوان کرد: میراث فرهنگی اجازه تعمیر به کسبه‌ها را نمی‌دهد و سوال ما این است که آیا جان و مال انسان‌ها مهم است یا حفظ تیر و تخته‌های

مسئولان سازمان بازرگانی و صنایع و معادن گفت: در این جلسه تعدادی از نمایندگان صنف‌های مختلف در بازار و مراکز خرید مشکلات ایمنی مراکز خود را طرح کردند و رئیس اتاق اصناف با یادداشت‌برداری قول پیگیری آن را داد.

پاساز قدس
تجهیزات ایمنی ندارد، وضعیت سیم کشی برق نامناسب است البته تا حدودی اصلاح شده، سیم کشی تلفن نامناسب است.

راسته صحاف خانه
قسمتی از سقف بازار تیرچوبی است، معبر راسته تنگ و باریک و امکان تردد خودروهای امدادی

بار میراث فرهنگی عنوان کرده که بودجه و ردیف مالی است. گاز کشی ندارد.

فرسایی با طرح این سوال عنوان کرد: میراث فرهنگی اجازه تعمیر به کسبه‌ها را نمی‌دهد و سوال ما این است که آیا جان و مال انسان‌ها مهم است یا حفظ تیر و تخته‌های

مسئولان سازمان بازرگانی و صنایع و معادن گفت: در این جلسه تعدادی از نمایندگان صنف‌های مختلف در بازار و مراکز خرید مشکلات ایمنی مراکز خود را طرح کردند و رئیس اتاق اصناف با یادداشت‌برداری قول پیگیری آن را داد.

پاساز قدس
تجهیزات ایمنی ندارد، وضعیت سیم کشی برق نامناسب است البته تا حدودی اصلاح شده، سیم کشی تلفن نامناسب است.

راسته صحاف خانه
قسمتی از سقف بازار تیرچوبی است، معبر راسته تنگ و باریک و امکان تردد خودروهای امدادی

بار میراث فرهنگی عنوان کرده که بودجه و ردیف مالی است. گاز کشی ندارد.

فرسایی با طرح این سوال عنوان کرد: میراث فرهنگی اجازه تعمیر به کسبه‌ها را نمی‌دهد و سوال ما این است که آیا جان و مال انسان‌ها مهم است یا حفظ تیر و تخته‌های

مسئولان سازمان بازرگانی و صنایع و معادن گفت: در این جلسه تعدادی از نمایندگان صنف‌های مختلف در بازار و مراکز خرید مشکلات ایمنی مراکز خود را طرح کردند و رئیس اتاق اصناف با یادداشت‌برداری قول پیگیری آن را داد.

مشکلات ایمنی	مراکز تجاری
این پاساز حدود ۴۰ سال قدمت دارد و در کل قدیمی و فرسوده است. گاز کشی ندارد و تنها چند مغازه مجوز برای گاز کشی گرفته‌اند و مابقی از سایر وسایل گرمایشی استفاده می‌کنند که خطرناک است. برق عمومی برای روشنایی ندارد.	پاساز استقلال
از سال ۶۸ احداث شده، فاقد آب و سرویس بهداشتی است. برق کشی مناسب ندارد. ورودی و دیوار پاساز نیز اجاره داده شده است.	پاساز ایران
تجهیزات ایمنی ندارد، وضعیت سیم کشی برق نامناسب است البته تا حدودی اصلاح شده، سیم کشی تلفن نامناسب است.	پاساز قدس
قسمتی از سقف بازار تیرچوبی است، معبر راسته تنگ و باریک و امکان تردد خودروهای امدادی وجود ندارد. سیم کشی‌های برق روکار و نمایان است. گاز کشی ندارد.	راسته صحاف خانه
پارکینگ اکباتان فاقد تجهیزات ایمنی است. پاساز اکباتان گاز کشی ندارد و کسبه‌ها از نفت به جای گاز استفاده می‌کنند.	پاساز اکباتان و پارکینگ اکباتان
سقف واحدهای صنفی دور میدان امام طبقه فوقانی به صورت تیرچوبی و خطرزاست.برق کشی مناسب وجود ندارد.	طبقه فوقانی واحدهای صنفی میدان امام
سقف تیرچوبی و خطرزاست. بسیاری از مغازه‌های داخل کاروانسراها انباری شده و کارگران نیز برای گرمایش از پیک‌نیک و سایر وسایل استفاده می‌کنند که بسیار خطرناک است.	راسته دباغ خانه و خانه فروشان
سیم کشی برق مناسب نیست و اصلاح آن نیمه کاره رها شده است.	سرگذر و سبزه میدان